

# هنوز قسمت مهمی از تاریخ گذشته ما در زیر خاک ایران نهان است

## دو هر قدم از خاک سرزمین صفحه‌ای از کوشش‌های این ارضی و شرف‌های آن است

دکتر عیسی بهنام

کلمه حتی بکار برده شد، چون ما میدانیم که در زمان ساسانیان در ایران پارچه‌های خوبی بافته میشد و تعدادی از زربفت‌های دوران ساسانی که در همان زمان از ایران خارج شده است اکنون در موزه‌های معروف فرانسه، در کلیسای «سن‌دنی» نزدیک پاریس حفظ میشود. در واقع در دوران جنگ‌های صلیبی مسیحیان به‌اشیایی دست پیدا میکردند که تصور مینمودند مربوط به شخص حضرت عیسی است و برای انتقال آن به کلیساهای اروپا، بصورت شیئی متبرک آنرا در پارچه‌های نفیسی که از دوران ساسانی باقی مانده بود یا پارچه‌هایی که در اوایل دوران اسلامی در ایران به‌تقلید از هنر ساسانی می‌بافتند، می‌پیچیدند و با احترام زیاد به کشور خود میبردند. به‌این سبب است که تعداد زیادی از پارچه‌های ایران قدیم یا زربفت‌ها امروز در کلیساها و موزه‌های اروپا حفظ میشود. این زربفت‌ها حتی به‌چین و ژاپن هم در همان ایام رفته است و اکنون کشورهای مزبور آنرا در موزه‌هایشان در معرض دید قرار داده‌اند.

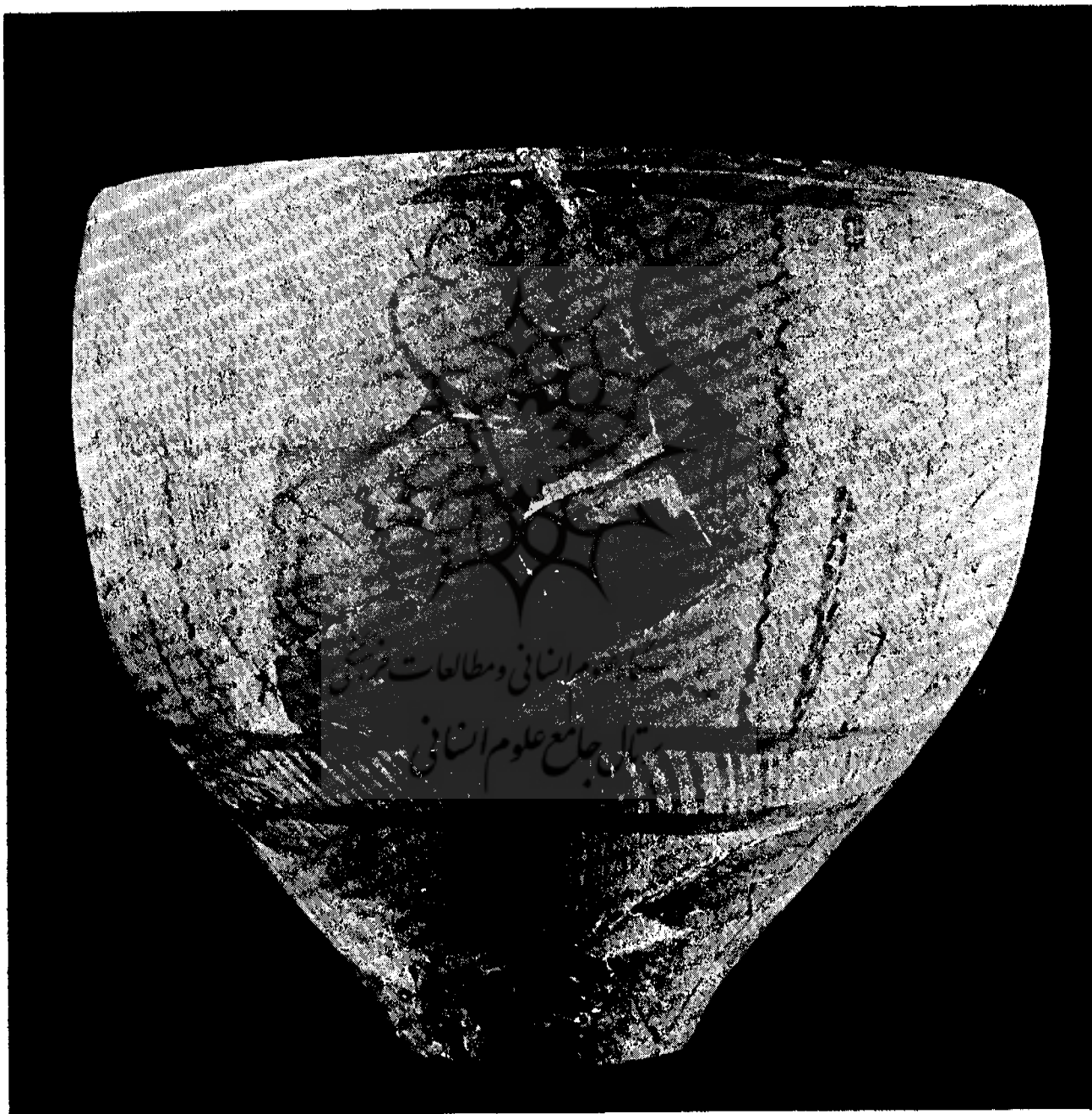
صحبت از ری بود، و در آن روزها این تپه‌های خاک که اطراف آستانه حضرت دیده میشد برای ما بصورت معمایی درآمده بود. امروز هم برای بسیاری از ما هنوز این تپه‌ها بصورت معمایی است.

قسمت‌هایی از این معما برای ما روشن شده است. از دورانی که ما کودک بودیم و اقبال آشتیانی استاد ما بود مدت زمان درازی گذشته است. ما از مطالعات دقیق استادان باستان‌شناسی جهان بوسیله خواندن کتاب‌هایشان آگاهی پیدا

شهر ری، ویرانه‌هایی که در اطراف آستانه حضرت عبدالعظیم قرار دارند نزدیک پایتخت ماست. ما مردم تهران از این شهر کهن که حتی نامش در توراة و کتابهای مذهبی پیش از هخامنشیان در ایران آمده است چه میدانیم؟ سابقاً وقتی هنوز ماشین دودی بین تهران و حضرت عبدالعظیم کار میکرد بعضی از روزهای تعطیل را با زنها بزیارت میرفتیم و در مراجعت کوزه ماستی همراه می‌آوردیم که بسیار لذیذ بود. بعدها با استادان مرحوم اقبال آشتیانی به‌چشمه علی رفتیم. در تپه‌های مجاور کوه بی‌بی‌شهربانو گورهایی از زمان قدیم پیدا شده بود و راجع به آن داستان‌ها میگفتند که موجب حیرت ما دبیرستانی‌ها میشد. مرحوم اقبال استاد بسیار خوبی بود و واقعاً او را خیلی دوست داشتیم. او در آن زمان، میگفت بهترین جزوه‌ها بدتر از بدترین کتاب‌های چاپ شده است. متأسفانه تا همین سال‌های اخیر هنوز در دانشگاه‌های ما جزوه گفتن مرسوم بود.

استاد ما اقبال آشتیانی میگفت پارچه‌های ذیقیمتی در این گورها پیدا شده، ولی چون این پارچه‌ها برای پوشاندن روی مرده‌ها بکار رفته شده مردم از دست‌زدن به آن اکراه داشتند. اما عتیقه‌فروشان، آنها را خریدند و به اروپا و آمریکا فرستادند. در واقع همان پارچه‌های زربفت که از زمان دیلمیان است امروز در یکی دومیته اروپا و آمریکا موجود است و آنها را پاک کرده‌اند و در زیر شیشه گنجینه‌های موزه قرار داده‌اند، و این قطعات زربفت مدارک خوبی برای نشان‌دادن درجه بلند هنر پارچه‌بافی در ایران، حتی در زمان دیلمیان، میباشد.

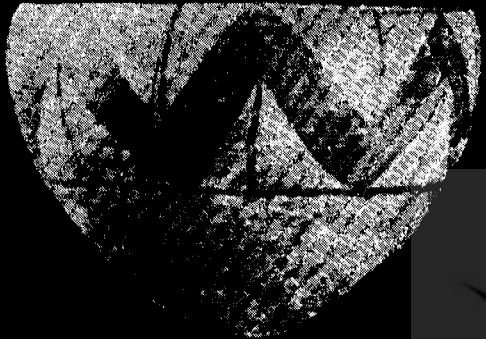
سال‌هاست که این کاسه بزرگ گلی در یکی از قفسه‌های موزه ایران باستان قرار داده شده، ولی من تقریباً اطمینان دارم که نتوانسته است توجه شما را بخود جلب کند، زیرا آنطوری که باید نمایش داده نشده که مورد توجه قرار گیرد. تقریباً چهل سال پیش دکتر اریک اشمیت که در تخت جمشید نیز مدت زیادی بعد از پروفیسور هر تسفلدکار میگرد آنرا در ویرانه‌های ری پیدا کرد و به موزه ایران باستان داد. این ظرف سفالین بسیار زیبا است. خیلی نازک و با ظرافت مخصوصی ساخته شده و در کوره برده شده است زمینه آن آجری رنگ است ولی یک رنگ یک دست بدون غل‌وغش. نقوش روی آن برنگ سیاه‌اند، ولی... توجه کنید چندر زیبا هستند. من آنها را با کار رضا عباسی و حسین بهزاد مقایسه می‌نمایم. با دو خط ساده، ولی معلوم است با مهارت یک استاد، حرکت این دو حیوان شاخ‌دار، نمیدانم بگویم گوزن، آهو، یا هر چه که شما بخواهید، ولی با سبکی بسیار جدید، سبک نقاشان بزرگی مانند پیکاسو، نقش این دو حیوان بنظر من از نظر هنر نقاشی شاهکاری است که میتواند بخوبی مورد تقلید نقاشان امروز ما قرار گیرد. این نقش را پدران ما در حدود پنج هزار و پانصد سال پیش در همین گوشه چشمه علی بوجود آورده‌اند، روی آن نام «لوله هنگ» نگذارید.



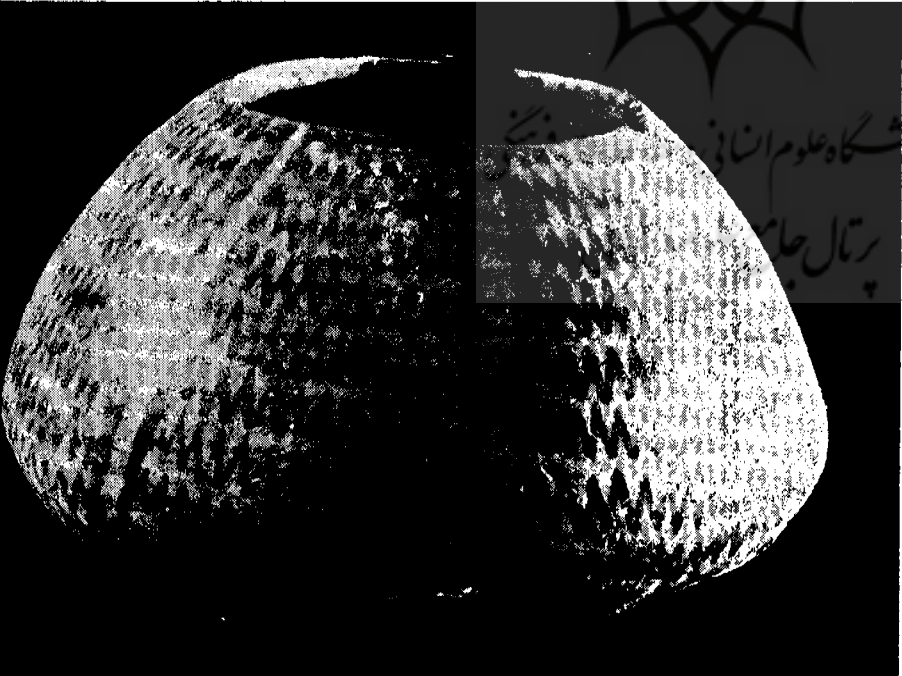
کرده ایم . متأسفانه بیشتر اطلاعات ما در نتیجه خواندن کتاب‌های خارجیان بدست ما رسیده و با اینکه ما در ایران امروز باستان شناسان بسیار ورزیده و با اطلاعی داریم ، هنوز کتابی راجع به دوران‌های بسیار قدیم ایران بزبان فارسی چاپ نشده است . بهمین دلیل است که من در شماره‌های این مجله این موضوع ، یعنی مطالعه تاریخ ایران در ایام بسیار کهن ، ده‌هزار سال ، صد هزار سال پیش را مورد بحث قرار میدهم . اینطور نیست که شما تصور کنید که چشمه‌علی تنها نقطه‌ای در کشور ماست که در این زمان‌های بسیار دور مورد سکونت

انسان‌ها قرار گرفته است . جلوی بنجره شما ، در همین دروس ، نزدیک قلک ، آقای کامبخش چند سال قبل آثاری از زیر آن تپه‌های انبوه بیرون آوردند که بنظر من بدون شك مربوط به دوران مادها میباشد .

صحبت از این بود که ری تنها نقطه‌ای از ایران نیست که در آن آثار بسیار کهن پیدا میشود . در شماره‌های پیش دیدیم ، در تمام دشتی که بین ورامین و قزوین قرار گرفته آثار بسیار قدیمی وجود دارد . ما از اسمعیل‌آباد و خوربین ، نزدیک قزوین صحبت کردیم ، ولی در نواحی دیگری مانند شهریار ،



این ظرف سفالین در «کله دشت» نزدیک ساوه پیدا شده است . ساوه ، شهریار ، ری ، کله دشت ، قره تپه ، چشمه‌علی ، اینها نقاط نزدیک بهم بودند که در روزگاران کهن مورد سکونت و استفاده پدران ما بوده‌اند . کاسه‌های آب خوری یا ماست خوری یا آبی خورشان از ظروف «ملامین» امروزی که مورد مصرف ماست بسیار زیباتر بوده است . تعدادی از ظروف سفالین کله دشت نزدیک ساوه امروز در موزه‌های بزرگ دنیا بصورت نمایندگان تاریخ کهن کشورمان نشان داده شده‌اند .

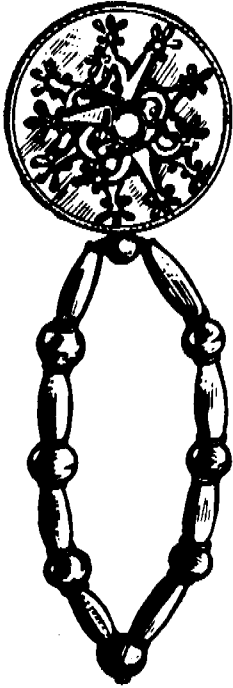
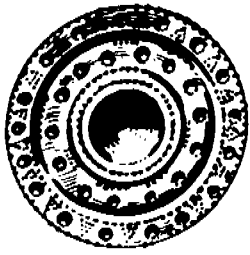


این گوزه در قره تپه در شهریار پیدا شده و متعلق به حدود پنج هزار سال پیش است . ظرافتی که در ساخت و نقش این ظرف بکار برده شده نشان میدهد که مردمی آنرا ساخته‌اند از تمدن پیشرفته‌ای برخوردار بوده‌اند . این ناحیه شهریار که امروز هم جزو نواحی پر نعمت کشور ماست از هزاران سال پیش مسکن و مأوای پدران ما بوده است ، و اگر شما بخواهید خاله آنرا با دقت زیرورو کنید بسیاری مطالب نهفته دارد که با شما بازگو خواهد کرد .

سأوه، ورامین، وحتى در بعضی از دره‌های واقع در بلندی‌های البرز آثار زیادی از مردمی که چندین هزار سال پیش در این مکان‌ها زندگی میکرده‌اند دیده میشود. شاید اینها پدران مستقیم ما نبوده‌اند، زیرا اگر ما ادعا داریم که از نژاد آریایی هستیم و از سرزمین‌های دیگری که ذکر آن در اوستا رفته است به‌فلات ایران آمده‌ایم و این فلات را بنام خود به‌دنیا معرفی کرده‌ایم پس مردمی که پیش از آریایی‌ها در این سرزمین‌ها بودند چه بودند، از چه نژادی بوده‌اند، چه زبان‌هایی حرف میزدند، چگونه این سرزمین را مورد سکونت خود قرار داده‌اند. آیا از خارج به‌آنجا آمده‌اند یا از ابتدای خلقت بشر در همانجا خلق شده‌اند.

ما ناچاریم منطقاً یکی از این دو فرضیه را بپذیریم: یا بگوییم يك آدم و يك حوا در عالم وجود داشتند و بقیه مردم همه از فرزندان آنها هستند و یا بگوییم در هر نقطه‌ای از جهان، در تاریخ معینی، که بنا بر متخصصان این علم به‌پانصد میلیون سال پیش میرسد، وحتى در یکی از مجلات خواندم که در سیریه آثار انسانی بدست آمده است که لاقلاً مربوط به دو میلیارد سال پیش است آدم و حوای خصوصی بوجود آمده‌است.

بنا بر فرض اول باید مثلاً اینطور توضیح داد که سیاهان افریقا و زردپوستان آسیا و قرمزپوستان امریکا و سفیدپوستان اروپا همه از فرزندان آدم و حوای واحدی بوده‌اند که معلوم نیست به‌چه علت اینقدر با هم اختلاف‌شکل و قیافه پیدا کرده‌اند. معمای دیگر این میشود که این فرزندان آدم و حوای واحد چگونه به‌تمام نقاط دنیا پخش شدند و این کار در چه زمانی صورت گرفت. بنا بر آنچه که راجع به انسان دو میلیارد سال پیش گفته شد لازم می‌آید که خیلی پیش از دو میلیارد سال پیش این فرزندان آدم تصمیم به مسافرت به سیریه و اروپا و امریکا و حتی قطب شمال گرفته باشند. راجع به فرض دوم، یعنی اینکه در هر نقطه‌ای آدم و حوای خصوصی در چند میلیارد سال پیش بوجود آمده باشد کسی تاکنون نتوانسته‌است اظهار عقیده‌ای بنماید. ولی بنا بر تحقیقات باستان‌شناسان این امر مسلم شده‌است که انسان «استرالوپیتکوس» که جمجمه‌اش نزدیک «ژوهانسبورگ» در افریقای جنوبی پیدا شده در حدود پانصد میلیون سال پیش در آن مکان زندگی میکرده است. این مطلب هم که انسان از نسل میمون است امروز طرفداری ندارد، جز اینکه نسل میمون شباهت‌هایی به نسل انسان دارد ولی اینها دو موجود متفاوت‌اند که در طی زمان‌های دراز در کنار هم بوجود خود ادامه داده‌اند.



اینها نمونه‌های زیبایی از زینت‌آلات طلایی هستند که در ناحیه رودبار گیلان از زیر خاک بیرون آمده‌اند و در حدود سه هزار سال قدمت دارند. مردمی که از چنین جواهرات زیبایی برای زینت خود استفاده میکرده‌اند بدون شك مردم عقب افتاده‌ای نبوده‌اند. مردم گیلان در زمان‌های دور مانند امروز بیش از آنچه ما تصور میکنیم در راه تمدن پیش رفته بودند. گیلانی‌ها هنوز هم سنن قدیم خود را محفوظ نگاه داشته‌اند. زبان شیرینی دارند و مانند این است که عادات و رسومشان از هزاران سال پیش دست نخورده باقی مانده است. البته این گیلانی‌ها را شما در جاده‌های آسفالت شده کنار دریا نخواهید دید. برای دیدنشان باید زحمت کشیده از اتومبیلتان پیاده شوید و راه جنگل‌های زیبای این ناحیه را در پیش بگیرید. مردمی بسیار میهمان‌دوستند و از زحمت مسافرت با قاطر یا پیاده در میان جنگل‌های زیبا تا بالای قله البرز پشیمان نخواهید شد.